

پرش ها و پانچ ها

پایگاه اطلاع رسانی دفتر منصوبه اشعی خراسانی حفظه الله تعالی

موضوع:

۱. احکام؛ اصول و قواعد فقه
۲. اخلاق؛ مکارم اخلاق؛ بخشندگی و رسیدگی به نیازمندان

بسم الله الرحمن الرحيم

پرسش

نویسنده: ناصری

سؤال من درباره‌ی اولویت کارها است. به عنوان مثال، آیا رفتن به زیارت قبور اهل بیت بهتر است یا بخشیدن هزینه‌ی آن به فردی نیازمند؟ حج واجب چگونه؟ آیا انجام آن اولویت دارد یا دادن هزینه‌ی آن به یک نیازمند؟ به طور کلی، بین گره‌گشایی از کار مردم و انجام عبادات، کدام یک بهتر است؟ در این قبیل موارد، ملاک چیست تا سر در گم نشویم و کار درست را تشخیص دهیم؟

پاسخ

تاریخ: ۱۴۰۳/۱۲/۹

به طور کلی، کارها از نظر شرعی به پنج دسته تقسیم می‌شوند: «واجب» که انجام آن ثواب و ترک آن عقاب دارد، «مستحب» که انجام آن ثواب دارد، ولی ترک آن عقاب ندارد، «مباح» که انجام یا ترک آن ثواب یا عقابی ندارد، «مکروه» که ترک آن ثواب دارد، ولی انجام آن عقاب ندارد و «حرام» که انجام آن عقاب دارد.

واضح است که در حالت عادی، انسان باید همه‌ی کارهای واجب یا مستحب را انجام دهد، نه اینکه برخی را به بهانه‌ی برخی دیگر ترک نماید و همه‌ی کارهای حرام یا مکروه را ترک نماید، نه اینکه برخی را از ترس برخی دیگر مرتکب شود، ولی در حالت تعارض که امکان انجام یا ترک همه وجود ندارد، قطعاً کار واجب بر کار مستحب و کار مستحب بر کار مباح و کار مباح بر کار مکروه و کار مکروه بر کار حرام تقدم دارد و اگر هر دو کار، واجب یا مستحب یا مکروه یا حرام هستند، باید به قاعده‌ی «الْأَهَمُّ فَالْأَوْلَى» یا «أَخَفُ الصَّرَیْنِ» عمل کرد؛ یعنی کاری که در میزان شرع اهمیت بیشتر یا ضرر کمتری دارد را مقدم داشت؛ زیرا مقدم داشتن دیگری، «ترک اولی» محسوب می‌شود که عاقلانه نیست، تا حدی که اولیاء خداوند از آن استغفار می‌کنند

و اگر معلوم نیست که کدام کار در میزان شرع اهمّیت بیشتر یا ضرر کمتری دارد و انجام یا ترک هر دو ممکن نیست، جای «تخیر» است؛ یعنی می‌توان هر یک از دو کار را اختیار کرد. از اینجا دانسته می‌شود که حجّ واجب بر صدقه‌ی مستحب، مقدّم است؛ چراکه کار واجب بر کار مستحب تقدّم دارد، ولی زیارت قبور اهل بیت مستحب است و از این رو، باید دید که آیا نسبت به صدقه‌ی مستحب، اهمّیت بیشتری دارد یا نه؛ چراکه در شرایط مختلف، می‌تواند اهمّیت بیشتر یا کمتری داشته باشد و تشخیص آن بر عهده‌ی مکلف است و اگر نتواند تشخیص دهد، اختیار دارد و گناهی بر او نیست.

قدر متیقّن این است که برآوردن نیاز یک «مؤمن»، یعنی کسی که اهل هدایت و عدالت است، بر هر کار مستحب دیگری فضیلت دارد؛ چنانکه در روایتی از امام حسن علیه السلام آمده است: «إِنَّ الْمَشْيَ فِي حَاجَةِ الْمُؤْمِنِ خَيْرٌ مِنْ اغْتِكَافٍ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ»؛ «پیگیری نیاز مؤمن، از دو ماه پی در پی اعتکاف در مسجد الحرام بهتر است» و در روایتی از امام جعفر صادق علیه السلام آمده است: «مَنْ طَافَ بِالْبَيْتِ أُسْبُوعًا، كَتَبَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهُ سِتَّةَ آلَافٍ حَسَنَةٍ، وَمَحَا عَنْهُ سِتَّةَ آلَافٍ سَيِّئَةٍ، وَرَفَعَ لَهُ سِتَّةَ آلَافٍ دَرَجَةٍ، وَقَضَاءُ حَاجَةِ الْمُؤْمِنِ أَفْضَلُ مِنْ طَوَافٍ، وَطَوَافٍ، حَتَّى عَدَّ عَشْرًا»؛ «هر کس هفت دور گرد خانه‌ی خدا طواف کند، خدا شش‌هزار ثواب برای او می‌نویسد و شش‌هزار گناه را از او پاک می‌کند و شش‌هزار درجه برای او بالا می‌برد و برآوردن نیاز مؤمن از ده طواف (هفت‌گانه) بهتر است» و در روایت حلوانی آمده است: «كُنْتُ أَطُوفُ بِالْبَيْتِ، فَأَتَانِي رَجُلٌ مِنْ أَصْحَابِنَا، فَسَأَلَنِي قَرْضَ دِينَارَيْنِ، وَكُنْتُ قَدْ طُفْتُ خَمْسَةَ أَشْوَاطٍ، فَقُلْتُ لَهُ: أَتُمْ أُسْبُوعِي، ثُمَّ أَخْرُجْ، فَلَمَّا دَخَلْتُ فِي السَّادِسِ اعْتَمَدَ عَلَيَّ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَوَضَعَ يَدَهُ عَلَى مَنْكِبِي، فَأَثَمَمْتُ سَبْعِي، وَدَخَلْتُ فِي الْآخِرِ، لِاعْتِمَادِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَيَّ، فَكُنْتُ كُلَّمَا جِئْتُ إِلَى الرَّكْنِ أَوْمَأُ إِلَى الرَّجُلِ، فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: "مَنْ كَانَ هَذَا يُؤْمِي إِلَيْكَ؟" قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ، هَذَا رَجُلٌ مِنْ مَوَالِيكَ، سَأَلَنِي قَرْضَ دِينَارَيْنِ، قُلْتُ: أَتُمْ أُسْبُوعِي، وَأَخْرُجْ إِلَيْكَ، فَدَفَعَنِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَقَالَ: "اذْهَبْ فَأَعْطِهِمَا إِيَّاهُ"، فَلَمَّا كَانَ مِنَ الْعَدِ دَخَلْتُ عَلَيْهِ، وَعِنْدَهُ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا يُحَدِّثُهُمْ،

۱. المؤمن لحسين بن سعيد الكوفي، ص ۴۷

۲. المؤمن لحسين بن سعيد الكوفي، ص ۴۹؛ الكافي للكليني، ج ۲، ص ۱۹۴؛ الأمالي لابن بابويه، ص ۵۸۲؛ تهذيب الأحكام للطوسي، ج ۵، ص ۱۲۰

فَلَمَّا رَأَيْنِي قَطَعَ الْحَدِيثَ وَقَالَ: «لَيْنَ أُمِّشِي مَعَ أَخٍ لِي فِي حَاجَةٍ حَتَّى أَقْضِيَ لَهُ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ أَنْ أُعْطِيَ أَلْفَ نَسَمَةٍ»؛^۱ «در حال طواف خانه‌ی خدا بودم که مردی از یارانمان به نزد آمد و از من خواست که دو دینار به او قرض بدهم و من پنج دور را طواف کرده بودم، پس به او گفتم که هفت دور را تمام می‌کنم و بر می‌گردم، پس وقتی وارد دور ششم شدم امام جعفر صادق علیه السلام به من تکیه داد و دستش را بر شانه‌ام نهاد، پس چون دور هفتم را تمام کردم، طواف دیگری را شروع کردم به خاطر اینکه امام جعفر صادق علیه السلام به من تکیه داده بود، پس هر بار که به رکن می‌رسیدم آن مرد به من اشاره می‌کرد، پس امام جعفر صادق علیه السلام به من فرمود: «این کیست که به تو اشاره می‌کند؟» گفتم: فدایت شوم، یکی از پیروان توست که از من دو دینار خواسته است، پس به او گفتم که هفت دور را تمام می‌کنم و به زودت بر می‌گردم، پس امام جعفر صادق علیه السلام من را (به طرف او) هل داد و فرمود: «برو و دو دینار را به او بده»، پس فردای آن روز به نزد امام رفتم در حالی که چند نفر از یارانمان نزد او بودند و با آن‌ها سخن می‌گفت، پس چون من را دید سخنش را قطع کرد و فرمود: «اگر نیاز برادر دینی‌ام را پیگیری کنم تا برآورده شود، برایم محبوب‌تر است از اینکه هزار برده را آزاد کنم».



بایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصوب‌هاشی خراسانی
مجلس خبرگان رهبری



۱. المؤمن لحسین بن سعید الکوفی، ص ۴۸